

# ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم‌انداز ادغام در سازمان همکاری‌های اقتصادی

عمر سربیک کاسونف<sup>۱</sup>

تجارب تاریخی، بویژه تجربه جامعه اقتصادی اروپا، حاکی است که برقراری روابط اقتصادی نیازمند به حل کلیه تضادها است. عمده‌ترین تضاد در مورد کشورهای آسیای مرکزی این است که همکاری از یک طرف منجر به توسعه اقتصادی اینان خواهد شد؛ اما از جانب دیگر، استقلال اقتصادی در کار نخواهد بود. در عین حال، کشورهای آسیای مرکزی که اخیراً به استقلال دست یافته‌اند در این مورد خاص بسیار حساس هستند. اما در بلندمدت تغییرات در روابط اقتصادی و دستاوردهای ملموس آن به اتخاذ سیاستهای بازار آزاد و توزیع مجدد و کارآمد عوامل تولید بستگی پیدا خواهد کرد.

در حال حاضر، آسیای مرکزی مشتمل بر شماری از کشورهای مستقل می‌باشد که توسط جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و در نتیجه، به جایگاه خاص خود در صحنه سیاست و اقتصاد بین‌الملل دست یافته‌اند. علی‌رغم عمر کوتاه استقلال این کشورها، سیر سریع وقایع سیاسی ما را قادر می‌سازد تا برخی از مشخصات روند ورود اینان به جامعه بین‌المللی را برشمیریم. در این چارچوب، مراحل و نحوه تحول آتی این روند نیز قابل تشخیص خواهد بود.

۱. در وهله اول، پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق چندین کشور مستقل ظهور کردند. شناسایی این کشورها توسط بسیاری از دول و سازمانهای بین‌المللی از اهمیت سیاسی ویژه‌ای برخوردار بود، چرا که در آن واحد مهر تأیید بر عواملی از قبیل سقوط دولت مطلق‌گرای اتحاد شوروی سابق، تغییرات دموکراتیک، و حق خودمختاری مردم این کشورها زده شد.

۲. در وهله دوم، کشورهای پیشرفته و سازمانهای بین‌المللی علاقه بیشتری به این کشورها نشان داده و مطالعات خود را در مورد اینان آغاز نمودند. طبعاً غربی‌ها می‌خواستند تاریخ، فرهنگ، منابع اقتصادی، و وضعیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، که در میان اروپا، آسیا و خاورمیانه واقع شده بود، را مورد بررسی قرار دهند.

از جانب دیگر، این تازه واردین جامعه بین‌الملل از لحاظ سیاسی - بویژه در سطح منطقه‌ای - بسیار فعال بودند. هر کشور با دقت، مواضع دیگر کشورها را مورد بررسی قرار

می‌دهد، چرا که این مواضع تا حد زیادی نمایانگر برخوردی است که خود اینان در پیش گرفته‌اند. فعالیت سیاسی این کشورها حاکی از این واقعیت است که اینان تا حدی جایگاهی برای خود در عرصه بین‌المللی یافته‌اند، لیکن تقویت و تثبیت اقتصادی می‌تواند جایگاه سیاسی این کشورها را مستحکم‌تر سازد. وضعیت اقتصادی مرتبه و میزان وابستگی این کشورها را مشخص می‌سازد. در حال حاضر کشورهای آسیای مرکزی نه تنها به کشورهای مشترک‌المنافع و روسیه، بلکه به سازمانهای بین‌المللی و کشورهای پیشرفته نسبتاً وابسته‌اند. آسیای مرکزی، به واسطه موقعیت ویژه جغرافیایی‌اش، می‌تواند به مثابه پلی مابین کشورهای اروپایی، آسیایی و خاورمیانه عمل نموده، با دول این مناطق رابطه‌ای مثبت در پیش گیرد و به افزایش ارتباطات مابین ایشان کمک کند.

این نقش ارتباطی می‌تواند منجر به افزایش اعتبار و اعتماد به نفس کشورهای آسیای مرکزی شده و امنیت اینان را تضمین نماید. از جانب دیگر مزایای اقتصادی این وضعیت نیز کاملاً مشهود است، اما قبل از ایفای نقش پل اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصادی این کشورها می‌باید ترمیم شود. کشورهای آسیای مرکزی باید قادر شوند ساختار اقتصادی داخلی خود را توسعه دهند.

۳. سومین مرحله ادغام کشورهای آسیای مرکزی در جامعه جهانی مستلزم حضور فعال اینان در سازمانهای بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. این کشورها قادر بوده‌اند که با محافل تجاری ارتباط برقرار نموده و به توافقات ملموس اقتصادی دست یابند. تداوم این روند منجر به ظهور همکاری ضمیمانه اقتصادی خواهد شد. همکاری اقتصادی و توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند و بدیهی است که تسریع در روند دستیابی به اهداف توسعه، ابعاد همکاری‌ها را گسترش خواهد داد.

عمده‌ترین عامل توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی ادغام اقتصادهای کشورهای منطقه- در قالب اتحادیه دول آسیای مرکزی- خواهد بود، چرا که هیچ‌یک از این کشورها به تنهایی نقشی اساسی ایفا نمی‌کند.

نیروی گریز از مرکزی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق شدت یافت شدیداً سطح همکاری تجاری و اقتصادی مابین کشورهای آسیای مرکزی را کاهش داد (جدول ۱). این نیروی واگرایانه بعد از اتخاذ پول ملی جداگانه توسط هریک از این کشورها شدت یافت. موانع اداری و گمرکی جریان سرمایه و کالا را متوقف ساخت و واحد پولی مشترک نیز از بین رفت.

کشورهای آسیای مرکزی باید برای نیروی گریز از مرکز فایق آیند. شاید در حال حاضر اهمیت اتحاد اقتصادی این کشورها آنقدر مشهود نباشد، اما این پیوند در آینده شکلی ضروری به

خود خواهد گرفت. با این حال فرایند فوق می‌باید به مرور زمان متحول شده و بر اساس حسن‌نیت کشورهای منطقه و منافع حاصله از اتحاد اقتصادی بنا شود. جای تردید نیست که چنین اتحادی به کشورهای آسیای مرکزی اجازه می‌دهد که مزیت اقتصادی خود را افزایش داده و به توسعه اقتصادی نایل آیند. مزایای چنین اتحادی به شرح زیر می‌باشد:

- خودکفائی کامل منطقه در زمینه انرژی، مواد معدنی، و مواد خام کشاورزی،
- یکپارچه سازی توان صادرات،
- موقعیت برجسته جغرافیایی در میان روسیه و اروپا از یک طرف، و چین، آسیای جنوب شرقی، هندوستان و کشورهای اسلامی از طرف دیگر،
- ادغام ظرفیت صنعتی بر مبنای همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک جهت تولید کالای تمام شده رقابتی در مدت زمان کم،
- نیروی کار آموزش‌دیده و ماهر با هزینه‌ای نازل،
- امکان استفاده بهینه از آب و سایر منابع طبیعی جهت تضمین امنیت محیط زیست،
- قابلیت چشمگیر فنی و علمی.

جدول شماره ۱ - تجارت خارجی کشورهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۳  
(میلیون دلار آمریکا)

کشور	صادرات	واردات	تراز
قزاقستان	۱۲۷۰/۶	۳۵۸/۳	۹۱۲/۳
ازبکستان	۷۰۶/۵	۹۴۷/۳	-۲۴۰/۸
ترکمنستان	۱۱۵۷/۰	۴۹۰/۰	۶۶۷/۰
قرقیزستان	۱۰۰/۴	۱۰۵/۸	-۵/۴
تاجیکستان	۲۶۳/۲	۳۷۰/۶	-۱۰۷/۴
کل	۳۴۹۷/۷	۲۲۷۲/۰	۱۲۲۵/۷
روسیه	۴۲۹۷۰/۷	۲۷۰۳۱/۹	۱۵۹۳۸/۸

فرایند ادغام شامل مراحل زیر خواهد بود:

۱. ایجاد بازار مشترک و همکاری تولیدی
۲. همگون‌سازی سیستمهای قانونی بویژه در زمینه فعالیت اقتصادی و ایجاد سازمان هماهنگی جهت هماهنگ ساختن سیستمهای پولی و اقتصادی
۳. ایجاد جو اقتصادی و پولی مشترک از طریق پارلمان و بانک مرکزی واحد.

قطع پیوندهای اقتصادی، توقف تولید بسیاری از کالاها، و همچنین کاهش قابل توجه تجارت در میان کشورها، باعث سقوط سطح تولید در بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی شده است. در صورت قطع کامل روابط اقتصادی، روسیه قادر خواهد بود ۶۵٪ کالاهای تمام شده، آذربایجان ۳۷٪ و قزاقستان ۲۷٪ این نوع کالاها را از لحاظ داخلی تأمین نماید. اقتصاد مابقی کشورها کاملاً فلج خواهد شد.

پیچیده‌ترین موضوع در خصوص این روابط جدید آشتی منافع اقتصادی با مواضع سیاسی می‌باشد.

موانع اصلی بر سرراه اتحاد اقتصادی عبارتند از:

- وابستگی سیاسی و اقتصادی به روسیه که از طریق ابزارهای اقتصادی تشدید می‌شود و احتمال پایمال شدن حق حاکمیت کشورهای مستقل را افزایش می‌دهد،
- وحشت از کمکهای اقتصادی روسیه به کشورهای کمتر توسعه یافته،
- سرعت نابرابر اعمال اصلاحات اقتصادی و آزادسازی اقتصادهای ملی که موجب افزایش شکاف اجتماعی و اقتصادی این کشورها شده و باعث خواهد شد کشورهای پیشرفته‌تر در مورد کمک به کشورهای عقب مانده‌تر از خود تردید نشان دهند،
- جهت‌گیری‌های متفاوت اقتصادی (ترکمنستان و آذربایجان)،
- فقدان هماهنگی‌های قانونی،
- تفاوت در میزان ثبات پولهای ملی،
- تحدید جابجایی سرمایه،
- تفاوت در زیرساختارهای ارتباطی و حمل و نقل.

جهت‌گیری و شدت فرایند همگرایی بین کشورهای آسیای مرکزی و روسیه را می‌توان با تحلیلی از وضعیت و میزان تولید مواد خام و مواد معدنی در این کشورها بررسی نمود (جدول ۲). ذغال سنگ: ذخایر غنی ذغال سنگ در قزاقستان منبع تأمین نیازهای روسیه قلمداد می‌شود. با این حال منابع نفتی و ذغال سنگ کوزنتسک می‌تواند جایگزین منابع قزاقستان شود. مسئله کمبود سوخت در آسیای مرکزی شکلی حاد به خود گرفته است. در صورت فقدان بازار روسیه، ذغال سنگ استخراج شده را می‌توان در داخل منطقه به مصرف رساند و یا به کشورهای همسایه فروخت. حمل و نقل ذغال سنگ مقرون به صرفه نبوده و معلوم نیست قزاقستان بتواند در آینده بر این ماده به عنوان منبع درآمد حساب کند.

نفت: صادرات نفت منبع بسیار مهمی برای قزاقستان محسوب خواهد شد. روابط قزاقستان و روسیه تا حد زیادی به مسئله حمل و نقل نفت بستگی خواهد داشت. به نظر می‌رسد که در آینده ترکمنستان و احتمالاً ازبکستان از لحاظ نفت خودکفا شوند. این دو کشور یا به

عنوان رقیب عمل خواهند کرد و یا یک کارتل تشکیل خواهند داد.  
 گاز: ترکمنستان، و تا حدی ازبکستان، صادر کنندگان عمده گاز محسوب می‌شوند. روسیه تا حدی به منابع گاز این دو کشور وابسته است. روسیه خود دارای منابع عظیم گاز می‌باشد، اما تمامی آن در داخل مصرف می‌شود. در این چارچوب می‌توان گفت که قابلیت بالقوه این سه کشور می‌تواند سهمی قابل توجه در هماهنگ ساختن سیاستهای صادراتشان ایفا نماید. چشم‌انداز همکاری در این خصوص بسیار مثبت است. اما در صورت احداث خط لوله در ایران و ترکیه، ترکمنستان می‌تواند به صورت مستقل وارد بازار جهانی شود.

جدول شماره ۲ - مقایسه ذخایر، تولید و مصرف مواد خام در روسیه و آسیای مرکزی  
 (درصد در داخل جامعه مشترک المنافع)

کشور	ذخایر	تولید	مصرف
<b>نفت</b>			
روسیه	۸۶/۰	۹۲/۰	۶۸/۰
قزاقستان	۹/۰	۴/۰	۲/۰
<b>گاز</b>			
روسیه	۸۶/۰	۷۸/۰	۶۷/۰
ترکمنستان	۵/۰	۱۱/۰	۲/۰
قزاقستان	۳/۰	۲/۰	۱/۰
ازبکستان	۳/۰	۵/۰	۶/۰
<b>ذغال سنگ</b>			
روسیه	۷۰/۰	۵۸/۰	۶۱/۰
قزاقستان	۱۲/۰	۲۰/۰	۲۱/۰
ازبکستان	۱/۰	۱/۰	۲/۰
<b>طلا</b>			
روسیه	۵۲/۰	۶۲/۰	۵۵/۰
ازبکستان	۵۹/۰	۲۵/۰	۰/۵
قزاقستان	۱۰/۰	۰/۱	۰/۰۱
<b>نقره</b>			
روسیه	۳۸/۰	۴۲/۰	۵۱/۰
قزاقستان	۲۶/۰	۴۹/۰	۶/۰
ازبکستان	۲۲/۰	۳/۰	۲/۰

کشور	ذخایر	تولید	مصرف
<b>مس</b>			
روسیه	۵۳/۰	۵۹/۰	۵۱/۰
قزاقستان	۲۹/۰	۳۱/۰	۶/۰
ازبکستان	۱۲/۰	۷/۰	۷/۰
<b>کروم</b>			
روسیه	۳/۰	۵/۰	۳۸/۰
قزاقستان	۹۶/۰	۹۵/۰	۴۶/۰
<b>منگنز</b>			
روسیه	۵/۰	۰/۰	۴۰/۰ *
قزاقستان	۱۳/۰	۳/۰	۴/۰
<b>سرب</b>			
روسیه	۳۴/۰	۲۵/۰	۵۱/۰
قزاقستان	۳۸/۰	۶۱/۰	۵/۰
ازبکستان	۹/۰	۷/۰	۶/۰
تاجیکستان	۱۲/۰	۶/۰	۳/۰
<b>روی</b>			
روسیه	۴۸/۰	۳۸/۰	۵۱/۰
قزاقستان	۳۶/۰	۵۵/۰	۶/۰
ازبکستان	۵/۰	۳/۰	۷/۰
تاجیکستان	۵/۰	۲/۰	۲/۰
<b>قلع</b>			
روسیه	۹۶/۰	۹۹/۰	۶۵/۰
قرقیزستان	۷/۰	۰/۰	۱/۰
قزاقستان	۲/۰	۱/۰	۵/۰
<b>نیکل</b>			
روسیه	۹۵/۰	۹۱/۰	۵۱/۰
قزاقستان	۴/۰	۷/۰	۶/۰
<b>فسفات</b>			
روسیه	۵۳/۰	۸۱/۰	۵۶/۰
قزاقستان	۴۰/۰	۱۹/۰	۲۱/۰
ازبکستان	۳/۰	۰/۰	۱۰/۰

سنگ آهن: ذخایر آهن قزاقستان اهمیت صنعتی زیادی برای روسیه دارد. اما کاهش تولید آن جنجال زیادی به راه نخواهد انداخت، چراکه تقاضای جهانی برای سنگ آهن بالا نیست. چشم انداز کاربرد ذخایر سنگ آهن قزاقستان، به توسعه صنایع داخلی و معادن ذغال سنگ و در نهایت صدور فلز تمام شده بستگی خواهد داشت. سرمایه‌گذاران احتمالی در این زمینه عبارتند از: کره جنوبی، ژاپن، چین، عربستان سعودی، و ترکیه.

سنگ مس: سنگ مس و مس قزاقستان تأمین‌کننده بخش عمده تقاضای کشورهای مشترک المنافع می‌باشد. اما فرایند صنعت‌زدایی در برخی از این جمهوری‌ها، وضعیت مس را مشابه وضعیت سنگ آهن و فولاد خواهد ساخت. فلز مس به راحتی قابل حمل و نقل است و به همین جهت منبع درآمد بسیار مناسبی برای قزاقستان محسوب می‌شود. این کالا در بازار جهانی نیز بسیار رقابتی است.

سایر فلزات: قزاقستان از لحاظ منابع سرب، کروم و روی بسیار غنی است و صنایع روسیه تا حد زیادی به واردات این مواد وابسته است.

اورانیوم: تاجیکستان و قزاقستان تولیدکنندگان عمده مواد خام اورانیوم محسوب می‌شوند. با این وجود، صدور این ماده در بازار جهانی با مشکل مواجه است و به همین خاطر قزاقستان می‌تواند توجه خود را به کشورهای آسیای مرکزی معطوف نماید.

طلا: در کشورهای آسیای مرکزی (بویژه ازبکستان) معادن طلا مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند و سطح تولیدات نیز قابل توجه بوده است. با توجه به اینکه ازبکستان تولید طلا را آغاز نموده است، قزاقستان نیز می‌تواند تولیدات خود را افزایش دهد. در این چارچوب می‌توان ادعا نمود که کشورهای آسیای مرکزی از ذخایر لازم جهت تثبیت پول خود برخوردارند.

پنبه: تولیدات پنبه آسیای مرکزی اهمیت جهانی دارد. پنبه را می‌توان به مسافتهای دور برد و کشورهایی از قبیل تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان می‌توانند مدتها از درآمد فروش این کالا بهره‌مند شوند. برای روسیه، از دست دادن این منابع پنبه ضربه جبران‌ناپذیری به اقتصاد و بازار مصرفش قلمداد می‌شود. وضعیت اقتصادی این کشور اجازه نمی‌دهد از بازار جهانی، پنبه تهیه کند.

غلات: قزاقستان همواره نقشی اساسی در تأمین غله جمهوری‌های شوروی سابق ایفا نموده است. در حال حاضر روسیه بر ذخایر غله قزاقستان حساب می‌کند؛ اما این وضعیت به علت تقاضای بالا در سایر جمهوری‌ها نمی‌تواند تداوم داشته باشد.

جای تردید نیست که روسیه به واسطه قابلیت‌های عظیمش در زمینه عرضه و مصرف به ایفای نقش عمده اقتصادی ادامه خواهد داد.

به دنبال استقلال، موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای آسیای مرکزی متحول شده است. در

گذشته این جمهوری‌ها بیشتر حکم مناطق استانی را داشتند و تأمین‌کننده مواد اولیه برای مرکز - یعنی روسیه - بودند. تک محصولی بودن ایشان تا حد زیادی از همینجا ناشی می‌شد. از آنجا که کشورهای آسیای مرکزی مستقل نبودند و حاکمیت داخلی و خارجی نیز نداشتند، قادر به برقراری روابط با کشورهای همسایه چین، ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان، و هند نیز نبودند. اما در برهه کنونی وضعیت کاملاً فرق کرده است. کشورهای مستقل پدید آمده‌اند و از لحاظ جغرافیایی به موقعیت ویژه‌ای در میان روسیه، چین، ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان، و هند دست یافته‌اند.

روابط نوین اقتصادی می‌تواند با توجه به قرابت جغرافیایی، امکان همکاری مؤثر، و احتمال ظهور بازار مشترک جدید به مراتب کارآمدتر از گذشته باشد.

قرابت سرزمینی، فرصتهای متقابل برای تبادل اقتصادی، و استفاده مشترک از نیروهای تولیدی ایجاب می‌کند که این ادغام اقتصادی در قالب سازمان همکاری‌های اقتصادی صورت پذیرد. مواضع نیز باید به نحوی باشد که مسائل سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی بر معادلات اقتصادی تأثیر نگذارد.

توافق از میر نمایانگر اصول و مبانی این همکاری می‌باشد. کشورهای عضو، سازمان همکاری‌های اقتصادی را چارچوبی برای همکاری اقتصادی، فرهنگی، و فنی تلقی نمودند و در خصوص موارد زیر به توافق دست یافتند:

- ترغیب تجارت از طریق تسهیل دسترسی به بازارهای داخلی هر یک از اعضا،

- ایجاد شرایط رشد اقتصادی جهت افزایش رفاه مردم کشورهای عضو،

- تقویت روابط فرهنگی، معنوی و برادرانه،

- حرکت در جهت تقویت تجارت جهانی.

در عین حال باید توجه نمود که عملی شدن این همکاری‌ها نیازمند تعیین اصول اولیه می‌باشد، که برخی از آنها عبارت‌اند از:

اصل عدم تبعیض: در وهله نخست از هرگونه تبعیض علیه ملیت‌ها می‌باید ممانعت

کرد. کلیه دول موظفند از این اصل پیروی نمایند. این اصل می‌باید بویژه در نهادهای سازمان همکاری‌های اقتصادی به هنگام تبیین تصمیمات مدنظر قرار گیرد.

اصل مکمل بودن: ماهیت این اصل بدین ترتیب است که کلیه فعالیت‌های سازمان

همکاری‌های اقتصادی از جمله اجرای سیاست‌های مشترک و یا تأیید برنامه یا طرحی خاص، می‌باید زمانی صورت پذیرد که در مقایسه با اقدامات جداگانه کشورهای بازدهی بیشتر داشته باشد.

اصل مربوط به حق اعضا: کلیه قوانین و اقدامات سازمان همکاری‌های اقتصادی مبتنی

بر توافقات و متمم‌های قانونی می‌باشد.



تبادل نظر: کلیه قوانین و برنامه‌ها حاصل مشورت و تبادل نظر ما بین اعضاء هستند. تأکید بر پیشرفت: هدف سازمان دستیابی به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی - بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته - می‌باشد.

رعایت جدی اصول و قوانین فوق متضمن ثبات زیربنای سازمان همکاری‌های اقتصادی خواهد شد.

موضوع مهم دیگر این است که سازمان همکاری‌های اقتصادی باید مبتنی بر اصول و رعایت اولویتهای فرایند ادغام اقتصادی باشد.

۱. قزاقستان و ترکمنستان جایگاه جهانی ویژه‌ای از لحاظ تولید نفت و گاز دارند (جداول ۳ و ۴). برای قزاقستان عمده‌ترین اولویتهای در مراحل اولیه ادغام عبارتند از:

- ایجاد ساختار حمل و نقل: این ساختار باید به بازارهای خارجی دسترسی داشته باشد. ترکمنستان نیز می‌باید ساخت لوله‌های نفت و گاز را مد نظر قرار دهد. به واسطه فقدان لوله‌های نفت، قزاقستان درآمد زیادی را از دست می‌دهد.

- حمل نفت تنگیز و گاز مناطق غرب قزاقستان به پالایشگاههای دریافت‌کننده نفت سبیری (از طریق ساخت لوله).

- ترمیم میادین نفت و گاز در غرب قزاقستان،

- نوسازی صنعت نفت و گاز قزاقستان.

۲. همکاری در جهت تولید کالاهای رقابتی: چشم‌انداز بهره‌برداری از منابع طبیعی و ایجاد صنایع تولید کالاهای رقابتی (بویژه در زمینه فلزات) بسیار مثبت است. در این راستا قزاقستان می‌باید در صنایع تولید فلزات خود تنوع لازم را ایجاد نماید. این همکاری می‌تواند از طریق جلب مساعدت شرکتهای چند ملیتی، گروههای صنعتی، ابتکارهای مشترک تجاری و یا از طریق فروش سهام صنایع تکنولوژیک (تک زنجیره‌ای) صورت پذیرد.

توافقنامه از میر جزئیات مربوط به ایجاد اتحاد پولی را مشخص نمی‌کند. عمده ترین قدم در این راستا تأسیس سیستم پرداختهای بین‌المللی می‌باشد، به نحوی که تجارت و همکاری اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی تسهیل گردد. کشورهای آسیای مرکزی فاقد سیستم پولی با ثبات هستند، تاجیکستان هنوز در منطقه روبل است، کلیه این کشورها از کمبود نقدینگی رنج می‌برند، سیستم مالیاتی منطقه ناقص است، کمبود کالا شکلی حاد به خود گرفته و ظرفیتهای صنعتی عقیم باقی مانده است.

متحد ساختن سیستم پرداختها در صورتی مفید خواهد بود که منجر به ایجاد بازار تجاری شود. هیچیک از کشورهای عضو نباید دچار کسری پرداختها باشد، چرا که در این صورت مسائل عمده‌ای ایجاد خواهد شد. سؤال دیگری که باقی می‌ماند این است که آیا کشورهای عضو

اهداء کننده کمک و سرمایه خواهند بود یا خیر؟

ادغام اقتصادهای منطقه می باید راه را به سمت ورود به بازار جهانی هموار سازد. ادغام در دو سطح صورت می پذیرد: سطح عملکردی یا اجرای رژیم حقوقی-تجاری و سطح نهادی از طریق ایجاد نهادهای فراملی. به منظور رعایت یکی از عمده ترین اصول یکپارچه سازی اقتصادی - حقوقی کشورهای عضو، تأسیس نهادهایی از قبیل پارلمان و دادگاه عالی (همانند جامعه اروپا) ضروری است.

جدول شماره ۳ - تولید نفت در سال ۱۹۹۳ (میلیون تن)

کشور	تولید سالانه (میلیون تن)	تن بر حسب هزار نفر
۱. عربستان سعودی	۴۰۵	۲۴۵۷۷
۲. روسیه	۳۵۲ (در سال ۱۹۸۵، ۵۴۲)	۲۳۷۰
۳. ایالات متحده	۳۵۰ (در سال ۱۹۸۵، ۴۴۱)	۱۳۶۰
۴. ایران	۱۸۰	۵۲۹۰
۵. چین	۱۴۵	۳۰۹۲
۶. مکزیک	۱۳۵	۱۴۸۰
۷. ونزوئلا	۱۲۵	۱۲۳
۸. نروژ	۱۰۹	۲۵۲۷۸
۹. امارات متحده عربی	۱۰۶	۶۱۹۱۶
۱۰. نیجریه	۹۵	۷۹۶
۱۱. انگلستان	۸۹	۱۵۲۶
۱۲. کویت	۸۶	۴۶۵۳۷
۱۳. کانادا	۷۹	۲۸۳۱
۱۴. اندونزی	۷۰ (در سال ۱۹۹۲)	۳۶۶
۱۵. لیبی	۷۰	۱۳۸۷۲
۱۶. عمان	۳۷	۲۱۸۱۶
۱۷. الجزایر	۳۵	۱۲۹۴
۱۸. برزیل	۳۱	۱۹۵
۱۹. مالزی	۳۱	۱۶۴۲
۲۰. سوریه	۳۰	۲۲۳۹
۲۱. آنگولا	۲۶	۲۲۳۹
۲۲. هند	۲۶	۲۳۷۹
۲۳. کلمبیا	۲۳	۶۷۷
۲۴. قزاقستان	۲۳	۱۳۵۴
۲۵. عراق	۲۱ (در سال ۱۹۹۰، ۱۰۱)	۱۱۰۵

تذکر: ۵۵ کشور در دنیا بین ۴۰۰۰۰ تن (تاجیکستان) تا ۴۰۵ میلیون تن (عربستان) نفت

تولید می کنند. در سال ۱۹۹۳ قزاقستان در مقام ۲۴ بود.

جدول شماره ۴ - تولید گاز در سال ۱۹۹۳ (میلیارد متر مکعب)

کشور	تولید سالانه	متر مکعب سرانه
۱. روسیه	۶۱۸	۴۱۵۸
۲. ایالات متحده	۵۵۰	۲۱۳۷
۳. کانادا	۱۳۸	۴۹۴۶
۴. هلند	۸۰	۵۲۲۹
۵. ترکمنستان	۶۵/۲ (در سال ۱۹۹۰، ۸۷/۸)	۱۵۱۴۴
۶. انگلستان	۶۰	۱۰۲۹
۷. اندونزی	۵۵	۲۸۳
۸. ازبکستان	۴۵	۲۰۵۲
۹. الجزایر، امارات	۴۵ (در سال ۱۹۹۲)	۱۷۰۸
۱۰. عربستان	۴۰ (در سال ۱۹۹۲)	۲۵۱۲
۱۱. آرژانتین	۲۸ (در سال ۱۹۹۲)	۸۴۶
۱۲. نروژ	۲۷	۶۲۶۲
۱۳. ایران	۲۶ (در سال ۱۹۹۲)	۴۵۶
۱۴. مکزیک	۲۵	۲۷۴
۱۵. رومانی	۲۲	۹۸۲
۱۶. ونزوئلا	۲۸/۲ (در سال ۱۹۹۲)	۱۰۷۸
۱۷. اوکراین	۱۹/۲ (در سال ۱۹۸۵، ۹/۴۲)	۳۶۸
۱۸. آلمان	۱۹/۱	۲۳۶
۱۹. چین	۱۶	۱۴
۲۰. مالزی	۱۶	۸۶۰
۲۱. پاکستان	۱۳/۵	۱۱۰
۲۲. لیبی	۹	۱۴
۲۳. مصر	۸ (در سال ۱۹۹۲)	۱۴۵
۲۴. قزاقستان	۶/۷ (در سال ۱۹۹۲، ۸/۱)	۳۹۳

تذکر: در سال ۱۹۹۳، ۴۱ کشور گاز تولید کردند و قزاقستان بیست و پنجمین کشور محسوب می‌شود.

تجارب تاریخی، بویژه تجربه جامعه اقتصادی اروپا، حاکی است که برقراری روابط اقتصادی نیازمند به حل کلیه تضادها است. عمده‌ترین تضاد در مورد کشورهای آسیای مرکزی این است که همکاری از یک طرف منجر به توسعه اقتصادی اینان خواهد شد؛ اما از جانب دیگر،

استقلال اقتصادی در کار نخواهد بود. در عین حال، کشورهایی که اخیراً به استقلال دست یافته‌اند در این مورد خاص بسیار حساس هستند. اما در بلندمدت تغییرات در روابط اقتصادی و دستاوردهای ملموس آن به اتخاذ سیاستهای بازار آزاد و توزیع مجدد و کارآمد عوامل تولید بستگی پیدا خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی